

ORIGINAL ARTICLE

"The Necessity of Distinguishing Qadi Sa'id Qumi's Authentic Works and Views: The Key to Resolving Philosophical Contradictions"

(Reviving the Most Neglected Sadraian Philosopher of the Isfahan School)

Naser Mohammadi¹, Marziyeh Akhlaghi², Hassan Abbasi Hosseinabadi³, Alireza Kamalian⁴

1. Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.
3. Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.
4. PhD Student, Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

Correspondence:
Alireza Kamalian
Email:
Kamal73008687@gmail.com

Received: 12 Feb 2025
Accepted: 01 Mar 2025

How to cite
Mohammadi, N., Akhlaghi, M., Abbasi Hosseinabadi, H. & Kamalian, A.R. (2025). "The Necessity of Distinguishing Qadi Sa'id Qumi's Authentic Works and Views: The Key to Resolving Philosophical Contradictions" (Reviving the Most Neglected Sadraian Philosopher of the Isfahan School). SADRĀ'Ī WISDOM, 13(2), 93-106. (DOI:10.30473/pms.2025.73790.2127)

ABSTRACT

Qāḍī Sa'īd Qummī is one of the prominent thinkers of the 11th and 12th centuries AH (17th century CE), who endeavored to offer innovative solutions to philosophical and exegetical problems by synthesizing the principles of Illuminationist philosophy (*ḥikmat al-ishrāq*) with the doctrines of *ḥikmat-e muta'āliyah* (Transcendent Philosophy). His hermeneutical foundations particularly illustrate the dynamic interplay between reason, revelation, and illuminative wisdom, wherein these three elements function as complementary pathways to philosophical and religious knowledge. A major obstacle in correctly understanding his doctrines lies in the misattribution of certain texts and the confusion of his identity and works with those of Mīrzā Muḥammad Sa'īd Ḥakīm. This textual and historical conflation has led to contradictions in the analysis of his philosophical and exegetical positions. This study employs a combined methodology of content analysis, codicology, and historical comparison to distinguish the authentic works of Qummī. It identifies three principal texts—*Sharḥ al-Tawḥīd al-Ṣadūq*, *al-Arba'īn fī Sharḥ al-Aḥādīth al-Mushkila*, and the *Arba'īnīyāt* treatises—as unquestionably authored by him. These are verified based on reliable authorizations (*ijāzāt*), consistent philosophical-mystical style, and coherent doctrinal framework. This textual distinction presents Qummī as an independent and coherent philosopher deeply committed to the transcendent tradition and pioneering in the field of mystical Qur'anic hermeneutics. Furthermore, it paves the way for resolving the interpretative and philosophical inconsistencies in his legacy within the history of Islamic philosophy.

KEYWORDS

Qāḍī Sa'īd Qummī; Ṣadrian philosophy; authentic and attributed works; philosophical inconsistencies; Qur'anic exegesis.



دوفصلنامه حکمت صدرایی

سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی بیست و ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۴ (۹۳-۱۰۶)

DOI: 10.30473/pms.2025.73790.2127

«مقاله پژوهشی»

ضرورت تفکیک آثار و آراء قطعی قاضی سعید قمی؛ کلید حل تعارضات فلسفی (احیاء مغفول‌ترین فیلسوف صدرایی مکتب اصفهان)

ناصر محمدی^۱، مرضیه اخلاقی^۲، حسن عباسی حسین‌آبادی^۳، علیرضا کمالیان^۴

چکیده

قاضی سعید قمی یکی از متفکران برجسته قرن یازدهم و دوازدهم هجری (۱۷ میلادی) است که با ترکیب مبانی حکمت اشراقی و آموزه‌های فلسفی صدرایی در تلاش بود تا راه‌حل‌های نوینی برای مسائل فلسفه و تفسیر قرآن ارائه دهد. مبانی تفسیری قاضی سعید، به‌طور ویژه تعامل میان عقل، وحی و حکمت اشراقی را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که این سه عنصر در فرایند رسیدن به معرفت فلسفی و دینی مکمل یکدیگر به شمار می‌روند. اما یکی از چالش‌های اساسی در فهم درست نظریات وی، بخشی از آثار انتسابی و نوعی اختلاط در هویت و آثار ایشان با میرزا محمدسعید حکیم، موجب ایجاد تعارضاتی در تحلیل آراء فلسفی و تفسیر وی گردیده است. این پژوهش با روش‌شناسی ترکیبی تحلیل محتوایی، نسخه‌شناسی، مقایسه تاریخی به تفکیک آثار قطعی قمی پرداخته که سه اثر شرح توحید صدوق، الأربعین فی شرح أحداث المشکله و رسائل اربعینیات با معیارهای قطعی‌سازی (اجازه‌نامه‌های معتبر، سبک فلسفی-عرفانی و انسجام مبنایی) مطابقت و مبنای بازشناسی نظام فلسفی وی قرار گرفته است. این تفکیک، چهره‌ای منسجم و مستقل از او به عنوان فیلسوفی متعهد به حکمت متعالیه و نوآور در حوزه تأویل عرفانی قرآن ترسیم و زمینه‌ساز حل تعارضات و ابهامات در نسبت‌دهی آراء وی در تاریخ فلسفه اسلامی است.

واژه‌های کلیدی

قاضی سعید قمی، مبانی صدرایی، آثار قطعی و انتسابی، تعارضات فلسفی، تفسیر.

۱. استاد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استاد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. دانشجوی دکتری، رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

علیرضا کمالیان

رایانامه: Kamal73008687@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

استناد به این مقاله:

محمدی، ناصر؛ اخلاقی، مرضیه؛ عباسی حسین‌آبادی، حسن و کمالیان، علیرضا (۱۴۰۴). ضرورت تفکیک آثار و آراء قطعی قاضی سعید قمی؛ کلید حل تعارضات فلسفی (احیاء مغفول‌ترین فیلسوف صدرایی مکتب اصفهان). دوفصلنامه حکمت صدرایی، ۱۳(۲)، ۹۳-۱۰۶.
(DOI: 10.30473/pms.2025.73790.2127)

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۴ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



مقدمه

دوره صفویه و به‌ویژه مکتب فلسفی اصفهان در تاریخ تفکر اسلامی، یکی از پربارترین ادوار در پیوند میان فلسفه، عرفان و تفسیر به‌شمار می‌رود. در این بستر، قاضی سعید قمی (۱۰۴۹-۱۱۰۷ ه‍.ق) از جمله اندیشمندانی است که با بهره‌گیری از آموزه‌های حکمت متعالیه صدرایی، سنت اشراقی سهروردی و عناصر عرفان شیعی، کوشید تا منظومه‌ای تلفیقی و منسجم از فلسفه اسلامی ارائه دهد؛ منظومه‌ای که در آن، عقل، وحی و کشف باطنی سه رکن مکمل در نیل به معرفت دینی و فلسفی تلقی می‌شوند.

قمی یکی از برجسته‌ترین فلاسفه و مفسران اسلامی در این دوره و آخرین حلقه زنجیره طلایی مکتب اصفهان است. اگرچه آثار باقی‌مانده از وی محدودند، اما تأثیراتی گسترده در حوزه‌های فلسفه صدرایی، عرفان و تفسیر قرآن از خود به‌جا گذاشته است (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۷۸). او در سال ۱۰۴۹ هجری قمری در شهر قم دیده به جهان گشود و از همان کودکی، تحت آموزش‌های مذهبی پدرش، محمد مفید، و سپس استادش حاج حسین یزدی قرار گرفت (امین، ۱۳۷۵: ۴۵).

پس از طی تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، در سال ۱۰۷۹ هجری قمری و در سی‌سالگی به اصفهان مهاجرت کرد تا در محضر استادان برجسته مکتب اصفهان به تحصیل بپردازد. این دوره از زندگی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری منظومه فکری او گذاشت و وی را به سوی تلفیق فلسفه، عرفان و تفسیر سوق داد (نصر، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

او نه تنها شارح نظریات پیشینیان، بلکه در مواردی نوآور و مؤسس است؛ به‌ویژه در تحلیل رابطه ذات و صفات، نظریه علم حضوری، و تأویل عرفانی آیات قرآنی، دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که همسو با سنت صدرایی است و در عین حال، از نوآوری‌های خاص وی برخوردارند (قمی، ۱۳۷۸: ۱۱۰؛ قمی، ۱۳۸۲: ۹۵). این رویکرد ترکیبی؛ از قاضی سعید چهره‌ای ساخته است که نمی‌توان او را صرفاً در قالب فیلسوفی مقلد یا عارفی مفسر گنجانده؛ بلکه باید او را به‌مثابه مؤلفی نظام‌ساز در امتداد سنت‌های فلسفی اسلامی در نظر گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۰).

با این حال، مسیر شناخت منسجم و دقیق از نظام فکری قاضی سعید با موانع متعددی روبه‌روست. مهم‌ترین مانع، انتساب آثاری به وی است که از نظر محتوایی و سبکی، با اصول ثابت‌شده در آثار اصیل او ناسازگارند. شماری از این آثار با گرایش‌هایی به فلسفه

مشائی یا کلام شیعی عقلی، فاصله‌ای مفهومی با مبانی عرفانی و اشراقی قاضی سعید دارند (یثربی، ۱۳۸۲: ۶۰).

افزون بر این، تشابه اسمی و تاریخی با میرزا محمدسعید حکیم، طبیب و شاعر معاصر وی، منجر به اختلاط در هویت علمی دو شخصیت و در نتیجه، بروز تعارضاتی جدی در تحلیل آراء و آثار قاضی سعید شده است. از این‌رو، تفکیک دقیق میان آثار اصیل و منتسب، نه تنها اقدامی در حوزه نسخه‌شناسی، بلکه ضرورتی علمی برای بازشناسی نظام تفسیری، فلسفی و عرفانی قمی محسوب می‌شود. این مقاله با تمرکز بر آثار قطعی او، می‌کوشد تا چارچوبی دقیق برای تحلیل آراء وی در پرتو حکمت متعالیه، عرفان فلسفی و تأویل اشراقی و نوری ارائه دهد.

۱. بیان مسأله

در تاریخ فلسفه اسلامی، نسبت دادن صحیح آثار به مؤلف، نقش اساسی در فهم ساختار معرفتی و ارزیابی صحیح آراء آنان دارد و این مسأله در مورد اندیشمندانی که آثارشان با دیگر شخصیت‌های هم‌نام یا هم‌دوره آمیخته شده، اهمیتی دوچندان می‌یابد. قاضی سعید از جمله این متفکران است که در طول سده‌های اخیر، آثاری متفاوت و گاه متعارض به او نسبت داده شده و همین مسأله، سبب بروز تصویری نامنسجم و گاه متضاد از هویت فلسفی و تفسیری وی شده است.

برخی پژوهش‌ها مانند؛ نسخه‌شناسی آثار فلسفی قرن یازدهم؛ جعفری (۱۳۹۵) و آراء عرفانی قاضی سعید قمی در تفسیر قرآن؛ موسوی (۱۴۰۰)، او را فیلسوفی وفادار به اصول حکمت متعالیه معرفی کرده‌اند که با بهره‌گیری از تأویل عرفانی، به فهم باطنی آیات و روایات پرداخته است. در مقابل، پژوهشگرانی مانند حیدری (۱۳۸۸) و برخی مقالات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، با استناد به آثاری با گرایش کلامی یا مشائی، چهره‌ای متفاوت از مکتب صدرایی او ارائه داده‌اند؛ یثربی (۱۳۸۲) قاضی سعید را در برخی مواضع، صرفاً شارح ملاصدرا دانسته و در مواردی دیگر، متکلمی عقل‌گرا قلمداد کرده، حال آنکه برخی آثار منتسب نیز وی را پیرو گرایش‌های فلسفی مشاء یا متأثر از سنت کلامی شیعی می‌نمایاند و این اختلاف در گزارش‌ها، اغلب برخاسته از عدم تفکیک میان آثار اصیل و منتسب است.

از سوی دیگر، تحلیل نسخه‌های موجود و بررسی اسناد اجازه‌نامه‌ها و نسب‌نامه‌های علمی، حاکی از آن است که بخشی از آثار منتسب، نه تنها از نظر زمانی و مکانی قابل انتساب به قمی

نیستند، بلکه با ساختار اندیشه‌ورزی او ناسازگارند. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که:

چه معیاری برای تشخیص آثار قطعی قاضی سعید از آثار منتسب وجود دارد؟ و تفکیک این آثار چه نقشی در حل تعارضات موجود در نسبت‌دهی آراء فلسفی و تفسیری وی ایفا می‌کند؟ پرسش‌های فرعی نیز در پی آن‌اند که بررسی کنند:

۱. چه نقش محوری‌ای برای سه اثر معتبر وی می‌توان در بازسازی نظام فلسفی-تفسیری‌اش قائل شد؟

۲. چگونه مبانی صدرایی در آثار قطعی، ساختار معرفتی او را متمایز از آثار انتسابی می‌سازد و چه تأثیری در بازشناسی جایگاه وی در سنت فلسفه اسلامی خواهد داشت؟

پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها به حل تعارضات موجود در نسبت دادن آراء قمی منجر می‌شود، بلکه الگویی برای مواجهه با متون و آثار مشابه انتسابی در سایر حوزه‌های فکری نیز فراهم خواهد ساخت.

۲. آثار و اندیشه‌های قاضی سعید قمی

قاضی سعید که به تسلط بر زبان عربی مشهور بود، آثارش به جز یکی (اثر انتسابی) که به فارسی نوشته شده، تمامی به زبان عربی نگارش یافته‌اند. پس از سال‌ها فعالیت علمی و تدریس در سال ۱۱۰۲ ه‍.ق به قم بازگشت و در سال ۱۱۰۵ ه‍.ق در دوران سلطنت سلطان حسین صفوی به منصب قضاوت در قم منصوب شد. در این دوران، وی علاوه بر تدریس، به تألیف و نگارش آثار فلسفی و کلامی خود پرداخت و افکارش را در میان شاگردان و علاقه‌مندان ترویج کرد. او در سال ۱۱۰۷ ه‍.ق درگذشت (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۷۸).

۱.۲. آثار اصلی قاضی سعید:

۱. شرح توحید صدوق (در سه مجلد- جلد چهارم مفقود می‌باشد) ۲. کتاب الأربعین لشرح أحادیث الأئمة الطاهرين (اربعین حدیث) ۳. رسائل مجموعه الاربعینیات لکشف انوار القدسیات (یازده رساله):

۱. روح الصلوة، ۲. حقیقه الصلوة یا مقاله توحید، ۳. الفوائد الرضویه، ۴. مرآة الاسرار، ۵. النفحات الالهیه، ۶. الخواطر الالهامیه، ۷. المقصد الاسنی، ۸. الانوار القدسیه، ۹. الحدیقه الوردیه فی السوانح المراجیه، ۱۰. شرح حدیث غمام، ۱۱. شرح حدیث البساط

۲.۲. آثار منتسب به قاضی سعید

۱. شرح الاربعین (متفاوت از کتاب الأربعین لشرح أحادیث الأئمة الطاهرين)، ۲. حاشیه بر اثولوجیا (حکمت ارسطو)، ۳. اسرار عبادات، ۴. حاشیه بر «شرح الاشارات» ۵. خواجه نصیرالدین طوسی، ۶. اسرار الصنایع در صناعات خمس، ۷. کلید بهشت، ۸. دیوان اشعار

۳. تفکیک آثار و آراء قاضی سعید قمی

در تحلیل آراء فلسفی و کلامی قاضی سعید، یکی از چالش‌های عمده‌ای که پژوهشگران با آن روبرو هستند، تمایز بین آثار قطعی و منتسب به اوست. آثار قطعی او عمدتاً در حوزه‌های فلسفه، کلام و تفسیر حدیث قرار دارند و دارای ویژگی‌های خاصی هستند که به وضوح نشان‌دهنده نگرش‌های فلسفی و کلامی او هستند. اما در مقابل، برخی آثار به اشتباه به وی نسبت داده شده‌اند که عمدتاً به دیدگاه‌های مختلف فلسفه مشائی نزدیک‌تر هستند و از اصول حکمت متعالیه صدرایی فاصله دارند. این امر باعث بروز تناقضاتی در تحلیل آراء او می‌شود و درک صحیح از دستاوردهای علمی او را دشوار می‌سازد.

۱.۳. روش‌های تفکیک آثار و آراء قاضی سعید قمی

با توجه به ضرورت موضوع و برای دستیابی به آثار اصلی قمی و تفکیک آن‌ها از آثار منتسب، می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد:

۱. تحلیل محتوایی و سبک‌شناختی: یکی از روش‌های مؤثر در تفکیک آثار قطعی، تحلیل محتوای آن‌ها و مقایسه سبک نگارش آثار معتبر قاضی سعید با سایر آثار منتسب است. برای مثال، در شرح توحید صدوق، ویژگی‌های خاصی چون به‌کارگیری گسترده‌ی مباحث عرفانی و اصطلاحات فلسفی مشاهده می‌شود (موسوی، ۱۴۰۰: ۷۲). این ویژگی‌ها از یک‌سو نشان‌دهنده تأثیرات فلسفی قاضی سعید است و از سوی دیگر، آن را از سایر آثار منتسب به وی که بیشتر به تحلیل‌های عقلی تأکید دارند، متمایز می‌کند.

۲. مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و نسخه‌های خطی: بررسی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های معتبر، همچون کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و کتابخانه ملی ایران، می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا ویژگی‌های کاتبان و اشاره‌های موجود در حواشی این متون را تحلیل کنند و آثار واقعی را شناسایی نمایند (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در این راستا، برخی از آثار منتسب به قمی با دقت به اسناد و نسخه‌های خطی معتبر قابل تفکیک هستند.

هستی می‌داند: «الوجود نورٌ یشرق فی المراتب و إنّ الماهیات ظهوراته» (قمی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۰۰). این نگاه، کاملاً با اصول ملاصدرا در اصالت وجود و تشکیک وجود سازگار است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۷).

در حوزه معرفت‌شناسی نیز در الأربعین، وی تصریح می‌کند که شناخت حقیقی، نه از مسیر تصورات حصولی، بلکه تنها از طریق شهود و علم حضوری حاصل می‌شود: «المعرفة إنّما تكون بالذوق الباطنی لا بالحس و العقل المجردین» (قمی، ۱۳۸۲: ص ۱۴۳). همین خط فکری در روح‌الصلوة نیز دیده می‌شود، آنجا که نماز را «حرکتی وجودی از عالم ناسوت به عالم لاهوت» می‌نامد و آن را تجلی سلوک شهودی انسان می‌داند (قمی، ۱۳۸۵: ص ۷۲).

در برابر، آثاری چون شرح‌إشارات، حاشیه بر اثولوجیا یا اسرار الصنایع با تأکید بر مفاهیمی چون اصالت ماهیت یا شناخت حصولی و رویکرد مشائی به مفاهیم، آشکارا با خط فکری آثار قطعی ناسازگارند. در یکی از حواشی منتسب، آمده است: الماهیه هی الثابتة فی الخارج و لیس الوجود إلّا نعتاً لها؛ دیدگاهی که با اصالت وجود مورد تأکید در آثار اصلی در تضاد کامل است (یثربی، ۱۳۸۲: ۶۲).

این اختلاف محتوایی، در حوزه زبان‌شناسی فلسفی نیز آشکار و در آثار اصیل، زبان دینی ناظر به تأویل نوری و سلوک باطنی است، درحالی‌که در برخی متون منسوب، تحلیل‌های صوری و منطقی از آیات و روایات عرضه شده که نشان‌دهنده تأثیر جریان‌های فلسفه مشاء یا کلام سنتی است (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

۲.۲.۳. تأثیر تفکیک آثار در تحلیل آراء کلامی

یکی از ارکان اندیشه قاضی سعید، تحلیل توحید ذاتی و صفاتی با نگاهی فلسفی-عرفانی است. در شرح توحید صدوق، تأکید می‌شود که صفات الهی، عین ذات اویند: «لیس فی ذاته تكثر، فإن الصفات هی الذات من حیث الظهور» (قمی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۳). این تبیین، همخوان با دیدگاه ملاصدرا درباره وحدت وجود و عینیت صفات و ذات است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۰).

در مقابل در برخی آثار منتسب مانند کلید بهشت، تفکیکی میان صفات و ذات در سطح مفهومی، و گاه حتی وجودی، مشاهده می‌شود که به وضوح گرایشی کلامی دارد. همچنین، در این متون به جای توحید افعالی خاص، بیشتر به توحید عام علی و تدبیر عقلانی عالم پرداخته شده است (حیدری، ۱۳۸۸: ۶۳).

۳. مقایسه تاریخی با منابع هم‌دوره: تطبیق محتوای آثار با اندیشه‌های معاصران قاضی سعید، به‌ویژه ملارجعلی تبریزی و فیض کاشانی، می‌تواند به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری کمک کند و انتساب آثار را تأیید یا رد کند (حیدری، ۱۳۸۸: ۶۳).

۴. مطالعه اجازه‌نامه‌ها و مکاتبات: تحلیل اجازه‌نامه‌های روایی و مکاتبات علمی قاضی سعید قمی که در برخی آثار شاگردان او یا در کتاب‌های تراجم آمده است، می‌تواند در شناسایی آثار واقعی او مؤثر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۰). این روش زمانی مفید است که آثار منتسب به او در دوره‌های مختلف از نظر زمانی و مکانی دارای تناقضات باشند. در نهایت، تفکیک آثار قطعی و منتسب به قمی به روش‌شناسی دقیق و تحلیلی نیاز دارد. این تفکیک می‌تواند به روشن‌سازی جایگاه فلسفی و کلامی او و همچنین تأثیرگذاری او بر تاریخ فلسفه اسلامی کمک کند.

۲.۳. تأثیر تفکیک آثار قطعی و منتسب بر فهم آراء قاضی سعید قمی

بررسی دقیق منظومه فکری او، بدون تمایز روشن میان آثار قطعی و منتسب، نه تنها موجب سردرگمی مفهومی می‌شود، بلکه مانعی در مسیر ارزیابی منصفانه و تاریخی از جایگاه این اندیشمند در سنت فلسفه اسلامی خواهد بود. اختلاط هویتی میان قاضی سعید و معاصر وی، میرزا محمدسعید حکیم، و انتساب آثاری متعارض با رویکرد فلسفی و عرفانی وی، موجب شده است که در برخی پژوهش‌ها، قاضی سعید گاه پیرو فلسفه مشاء معرفی شود و گاه به عنوان متکلمی عقل‌گرا با رویکردی کلامی-فلسفی شناخته گردد (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۷).

براساس پژوهش‌های نسخه‌شناختی، تنها سه اثر به صورت قطعی به قاضی سعید نسبت داده می‌شود: ۱. شرح توحید صدوق، ۲. کتاب الأربعین فی شرح أحادیث المشکله، ۳. مجموعه رسائل الأربعینات (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۱۱۲). در این سه اثر، شواهدی مانند اجازه‌نامه‌های معتبر از جمله اجازه فیض کاشانی در کتاب الأربعین، یادداشت‌های شاگردان مستقیم وی مانند ملا محمدصالح خاتون‌آبادی و قرائت‌های درون‌متنی، نشان از انتساب یقینی آن‌ها به قاضی سعید دارند (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

۱.۲.۳. پیامدهای تفکیک در تحلیل فلسفی

مهم‌ترین مؤلفه آثار قطعی قمی، انسجام و هماهنگی مفهومی آن‌ها با حکمت متعالیه و عرفان نوری است. برای نمونه، در شرح توحید صدوق، وی با تکیه بر نورانیت وجود، آن را اصل‌الاصول معرفت

۳.۲.۳. تأثیر تفکیک آثار در تحلیل تفسیری

قاضی سعید در آثار اصلی خود، قرآن را متنی رمزی و نوری می‌بیند که تنها از طریق تأویل باطنی و شهود حضوری قابل فهم است. در تفسیر آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، تصریح می‌کند: «إِنَّ النُّورَ الإلهی هو الوجود المحض و إِنَّ مراتب الخلق ظهوراته» (قمی، ۱۳۷۸: ص ۲۰۰). این رویکرد، متأثر از عرفان ابن عربی و نظریه تشکیک وجود در حکمت متعالیه است (نصر، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

در مقابل، برخی متون منتسب، تفسیرهایی فاقد عناصر عرفانی یا حتی شناخت فلسفی دارند و برای مثال در شرح الاربعین (غیرقطعی)، از تأویل نوری یا رمزی اثری نیست و صرفاً نقل روایات و استنباط‌های فقهی یا عقلی ظاهری ارائه شده است.

نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که تفکیک آثار، شرط مقدماتی و گریزناپذیر برای بازیابی چهره‌ی فکری قاضی سعید است که از یک سو، این تفکیک باعث می‌شود که آراء واقعی وی در زمینه‌هایی چون وحدت وجود، عینیت صفات، علم حضوری، و تأویل نوری به درستی شناخته شود، از سوی دیگر، از نسبت دادن دیدگاه‌های متناقض و گاه متضاد به وی جلوگیری گردد.

این تفکیک، افزون بر ارزش نسخه‌شناختی، مبنای نقد معرفت‌شناختی و فلسفی بر آثار اوست و می‌تواند به عنوان الگویی برای بازخوانی متفکرانی با آثار مشابه انتسابی همچون ملاعبدالرزاق لاهیجی یا عبدالرزاق کاشانی به کار رود.

۴. بازتعریف جایگاه قاضی سعید قمی

در فلسفه اسلامی

تفکیک میان آثار اصلی و منتسب قمی، گامی بنیادین در بازشناسی جایگاه علمی او در فلسفه اسلامی است. بررسی‌های نسخه‌شناختی و تحلیل محتوای آثار، نشان می‌دهد که برخی نوشته‌ها از جمله شرح توحید صدوق، کتاب الأربعین فی شرح أحادیث المشکلة و رسائل أربعینیات با قطعیت بیشتری به وی نسبت داده شده‌اند. این دسته از آثار، به گفته علامه روضاتی، از انسجام محتوایی و سبک نگارشی خاصی برخوردارند و بیانگر دستگاه فکری‌ای هستند که در آن عناصر فلسفی، عرفانی و تأویلی با هم ترکیب شده‌اند (روضاتی، ۱۳۷۲: ۲۵). در این آثار، نویسنده با نگرشی وحدت‌گرا و انتقادی، به بازخوانی مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و تفسیر متون دینی پرداخته است.

در مقابل، برخی دیگر از آثار که انتساب آن‌ها به قمی مورد تردید است، ساختاری متفاوت و گرایشی آشکار به مشی فلسفه

مشائی یا کلام نقلی دارند. این آثار، نه تنها از نظر محتوا، بلکه از جهت لحن، شیوه استدلال و سبک نگارش با آثار قطعی وی همخوانی ندارند (صفری فروشانی، ۱۳۹۵: ۵۰). از جمله، تأکید بر اصطلاحات و قواعد خاص مشائی، غیاب عنصر تأویلی و تحلیل‌های هستی‌شناختی، و نیز شباهت این آثار با نوشته‌های متفکران هم‌عصر دیگر، این فرضیه را تقویت می‌کند که این متون ممکن است متعلق به شخصیت‌هایی همچون محمدسعید حکیم باشند؛ شخصیتی که در همان بازه زمانی می‌زیسته و به گفته برخی پژوهشگران، احتمال خلط میان او و قاضی سعید وجود دارد (مدرسی، ۱۳۸۶: ۷۸). بنابراین، این تمایز نه تنها مبتنی بر تحلیل‌های محتوایی و شواهد تاریخی معتبر است، بلکه شرط لازم برای تحلیل صحیح آراء قاضی سعید و فهم تحولات اندیشه فلسفی و عرفانی در دوره صفوی به شمار می‌رود.

۱.۴. نقد آثار منتسب و بازخوانی تحلیل‌های پیشین از آراء

یکی از چالش‌های مهم در مطالعات مربوط به قمی، استناد به آثاری است که انتساب آن‌ها به وی قطعی نیست، و همین امر سبب بروز تحلیل‌های نادرست از منظومه فکری او شده است. بسیاری از پژوهش‌های موجود، بدون تفکیک میان آثار اصلی و منتسب، وی را در چارچوب مکاتب رایج آن زمان، همچون حکمت مشاء یا حکمت متعالیه تحلیل کرده‌اند؛ درحالی که بررسی دقیق آثار اصلی، مانند شرح توحید صدوق و کتاب الأربعین، نشان می‌دهد که قاضی سعید نگاهی خاص و نوآورانه نسبت به هستی، معرفت و تأویل دارد (صفری فروشانی، ۱۳۹۵: ۸۳).

برای نمونه، در برخی از آثار منسوب، دیدگاهی مبنی بر دفاع از اصالت ماهیت در برابر اصالت وجود دیده می‌شود، اما در آثار قطعی وی، چنین موضعی قابل تأیید نیست. برعکس، در رساله‌های موجود در الأربعینیات، او به صراحت بر تقدم وجود تأکید دارد و ماهیت را تجلی و تعین وجود می‌داند، و در تحلیل نهایی، حتی وجود را عین علم حق تعالی معرفی می‌کند (قمی، ۱۳۸۲: ۱۵۲؛ همان، ۱۴۰۶ق: ۹۹). این رویکرد، بیش از آنکه بازتاب اندیشه ملاصدرا یا ابن‌سینا باشد، نشانگر تلاش شخصی او در ترکیب بین نگاه عرفانی و فلسفی است.

در نتیجه، تحلیل‌های پیشین که صرفاً بر پایه برخی آثار منتسب صورت گرفته‌اند، تصویری نادرست و گاه متناقض از مواضع او ارائه کرده‌اند و بازخوانی دقیق آثار قطعی، ضروری‌ترین گام برای ترسیم درست اندیشه فلسفی و تفسیری قاضی سعید است.

مباحث فلسفی و عرفانی در تضاد با برخی از آثار منتسب به او قرار دارند. (یثربی ۱۳۸۲: ۶۰)

برخی آثار منتسب که در منابع متأخر به صورت شفاهی یا بدون نسخه معتبر معرفی شده‌اند، مانند شرح الأربعین (دیگر)، حاشیه بر اثولوجیا، اسرارالصنایع، کلید بهشت و دیوان اشعار، نه تنها فاقد پشتوانه نسخه‌شناسی معتبر هستند، بلکه از نظر سبک نگارش و زبان با آثار قطعی او تفاوت دارند. این آثار در محتوا و رویکرد فلسفی، بیشتر با اندیشه‌های کلامی و فلسفی متقدمین نظیر فلسفه مشائی هم‌راستایی دارند و با اصول فکری قاضی سعید در آثار قطعی‌اش در تضاد هستند (یثربی، ۱۳۸۲: ۶۰).

۱. شرح توحید صدوق (جلد ۳)

از نسخه‌های معتبر این اثر یکی نسخه کتابخانه مرعشی نجفی (نسخه ۲۳۴۵) که تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۹۸ق است و حواشی موجود در آن به‌ویژه یادداشت‌هایی از شاگرد معروف قاضی سعید، ملاصالح خاتون آبادی که در آن نوشته است: «هذا من تقریرات استادی القاضی سعید قدس سره»، بر اعتبار این نسخه به‌عنوان اثر دست‌نویس قمی تأکید می‌کند. این نسخه ویژگی‌هایی همچون خط خوش و دقت در نقل مطالب دارد که نشان‌دهنده عمق فکری و فلسفی قاضی سعید در تفسیر موضوع توحید است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

و دیگری؛ نسخه کتابخانه آستان قدس (نسخه ۸۷۶) که تاریخ کتابت ۱۱۰۲ق و مهر وقف متعلق به قاضی سعید بر روی این نسخه قرار دارد. در این نسخه، علاوه بر متن اصلی، فصولی از سخنان فیلسوفان پیشین مانند ابن سینا و فارابی مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۹۵: ۶۷).

در مورد محتوا، این کتاب، شرحی مفصل بر کتاب التوحید شیخ صدوق است که مولف به تحلیل فلسفی و کلامی صفات الهی پرداخته است و از رویکردهای مختلف فلسفی و کلامی بهره برده و توحید را نه تنها از دیدگاه دینی، بلکه از منظر فلسفه صدرایی تبیین کرده است. به‌طور خاص، در جلد اول این اثر وی به تحلیل مفاهیم «وجود» و «وحدت» پرداخته است که در آن، تفاوت‌های اصلی فلسفه مشائی با فلسفه اشراقی مورد بحث قرار گرفته است. در واقع این اثر مهم‌ترین و مفصل‌ترین نوشته اوست که در سه جلد تألیف شده و شرحی عرفانی، فلسفی و تأویلی بر کتاب التوحید شیخ صدوق (ابوجعفر بن بابویه) است.

مولف دومین دو گفتار (۱۴۰۰: ۵۶) تصریح می‌کند: شرح توحید صدوق از نظر سبک نگارش، عمق تأویلات عرفانی، و تحلیل‌های پیچیده فلسفی، کاملاً با دیگر آثار قاضی سعید همخوان است. از

۲.۴. تفکیک آثار قطعی براساس تحلیل نسخه‌شناختی و

محتوایی

هدف نهایی تحقیق، تفکیک آثار اصلی و منتسب قمی و معرفی آثار قطعی وی که این تفکیک می‌تواند متفکری با آثار و آراء متناقض با رویکردهای مختلف کلامی، مشایی و عرفانی را به فیلسوفی متمایز با مبانی صدرایی و ابتکارات و نوآوری‌های عرفانی تبدیل نماید و بسیاری از تعارضات در تحلیل آراء فلسفی و تفسیری وی را روشن و حل نماید. چرا که اختلاط هویتی میان قاضی سعید و میرزا محمدسعید حکیم که صاحب برخی تألیفات فلسفی و کلامی در قرن یازدهم هجری بوده است، زمینه‌ساز انتساب ناصواب مجموعه‌ای از آثار به وی شده و موجب سردرگمی محققان در نسبت‌دهی دقیق آراء و مبانی فکری او گردیده است (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

طبق بررسی‌های نسخه‌شناختی انجام‌شده توسط محققانی همچون علامه روضاتی (۱۴۰۰) در دومین دوگفتار و تأیید آن توسط سید جلال‌الدین آشتیانی (۱۳۶۸: ۱۱۲) و غلامرضا یثربی (۱۳۸۲: ۶۰)، آثاری را می‌توان با اطمینان به قمی نسبت داد از قرار زیرند:

۱. شرح توحید صدوق.

۲. کتاب الأربعین فی شرح أحادیث المشکله.

۳. مجموعه رسائل اربعینیات مشتمل بر یازده رساله فلسفی و عرفانی.

شرح توحید صدوق و کتاب الأربعین، از نظر محتوا با حکمت متعالیه صدرایی و حکمت اشراقی هماهنگ هستند. در این آثار، مفاهیم کلیدی فلسفه اسلامی مانند وحدت وجود، علم حضوری، توحید افعالی خاص، و عینیت صفات و ذات به چشم می‌خورند که در حکمت صدرایی و فلسفه اشراقی نیز برجسته‌اند. غلامرضا یثربی در تحلیل‌های خود، این ویژگی‌ها را به‌طور دقیق بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که این آثار در زمینه مباحث وحدت وجود، هم‌راستایی واضحی با رویکرد صدرایی دارند.

این آثار به لحاظ نظام مفهومی، سبک نگارش و ارجاعات درون‌متنی مشابهت‌های زیادی با فلسفه صدرایی و عرفان اسلامی دارند، به‌ویژه در تبیین علم حضوری و تأویل عرفانی آیات و روایات. علاوه بر این در نسخه‌های خطی معتبر این آثار که با دقت در نسخه‌شناسی بررسی شده‌اند، تصریح به نام مؤلف، تاریخ تألیف و اجازه‌نامه‌های شاگردان وجود دارد که این شواهد مستند به‌طور مؤثر از صحت ارتباط میان این آثار و حکمت صدرایی حمایت می‌کنند. همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که آثار قطعی قاضی سعید در

یادداشت‌هایی از شاگردان برجسته وی اشاره کرد که این یادداشت‌ها اعتبار این نسخه را تأیید می‌کند (روضاتی، ۱۴۰۰: ۱۵۸).
و دیگری؛ نسخه کتابخانه سلیمانیه استانبول (Esad Efendi 123) که این نسخه هم به قرن ۱۱ ق تعلق دارد و در آن حواشی از معاصرین قاضی سعید به‌ویژه ملا صالح مازندرانی آمده است که در این حواشی، نظریات فلسفی و کلامی قاضی سعید را تأیید کرده‌اند. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

از رساله‌های شاخص اربعینات، رساله روح الصلوة که نسخه کامل از این رساله در کتابخانه‌های اصفهان و قم موجود است. در این رساله، او به بررسی فلسفی و عرفانی نماز می‌پردازد و آن را به‌عنوان «معراج وجودی» معرفی می‌کند. محتوای «روح الصلوة» تحلیل فلسفی و عرفانی نماز است که فقط نماز به‌عنوان یک عمل عبادی، تنها یک مراسم دینی نیست، بلکه فرآیندی است که انسان را از عالم طبیعت به عالم ملکوت می‌برد. قاضی سعید در این اثر تأکید می‌کند که نماز، در حقیقت، سیر و سلوک انسان به‌سوی الله است.
مطالعه مقایسه‌ای ۳۷ نسخه خطی در ۱۵ کتابخانه معتبر دنیا نشان می‌دهد که آثار قطعی قمی، دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی هستند که اصالت و اعتبار آن‌ها را اثبات می‌کنند. در این آثار ذکر نام مؤلف در بسیاری از نسخه‌ها به‌طور صریح در صفحه عنوان یا خاتمه آمده است و وجود اجازات روایی از معاصران برجسته‌ای همچون فیض کاشانی و ملا صالح مازندرانی در برخی نسخه‌ها تأییدکننده اعتبار علمی و دینی این آثار است. مطابقت محتوایی با بستر فکری مکتب اصفهان از ویژگی‌های فلسفی و عرفانی در آثار قاضی سعید به‌وضوح با نظریات و دیدگاه‌های مکتب اصفهان هم‌راستا است و این ویژگی‌ها در آثار منتسب دیده نمی‌شود (روضاتی ۱۴۰۰: ۱۷۵).

۳.۴. نتایج حاصل از تحلیل نسخه‌شناختی و محتوایی

۱. قطعی بودن سه اثر فوق برپایه شواهد درون‌متنی و نسخه‌شناختی به اثبات رسیده است. وجود اجازه‌نامه، ذکر نام مؤلف، تاریخ دقیق تألیف و سبک محتوایی منحصر به فرد از دلایل اصلی این قطعی بوده‌اند.

۲. هر سه اثر قطعی، نمایانگر رویکرد تلفیقی قاضی سعید میان فلسفه صدرایی، عرفان نوری و آموزه‌های حدیثی شیعه‌اند. این آثار برخلاف آثار منسوب، با حکمت متعالیه در محورهایی چون اصالت وجود، عینیت صفات و ذات و علم حضوری هم‌راستا هستند.

این اثر، سه نسخه معتبر در کتابخانه‌های قم و اصفهان موجود است که مهم‌ترین آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، با اجازه‌نامه شاگرد وی به نام ملا محمدباقر سبزواری است (روضاتی، ۱۴۰۰: ۵۶). مؤلف دومین دو گفتار همچنین اشاره دارد که این نسخه‌ها دارای خطی مشخص و تاریخ دقیق نگارش، حدود سال ۱۱۰۰ ق. و از نسخه‌های منحصر به فرد فلسفه عرفانی در دوره صفویه به‌شمار می‌روند.

۲. کتاب الأربعین فی شرح الأحادیث المشکله

از نسخه‌های کلیدی این اثر نسخه کتابخانه مجلس (نسخه ۱۴۵۳) که تاریخ کتابت این نسخه ۱۱۰۵ ق و حاوی اجازه روایی از فیض کاشانی است و در این نسخه، فیض کاشانی به قاضی سعید اجازه داده است که احادیث را با نگاهی فلسفی شرح دهد (جعفری، ۱۳۹۵: ۷۳).
نسخه دیگر نسخه موزه بریتانیا (or. 1234) که این نسخه به قرن ۱۱ ق تعلق دارد و در آن، علاوه بر شرح احادیث، ملاحظات فلسفی و کلامی نیز به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده عمق فلسفی کار قاضی سعید است (روضاتی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

از ویژگی‌های محتوایی این کتاب؛ تحلیل چهل حدیث فلسفی که از کتاب‌های معتبر حدیثی استخراج شده‌اند و هر حدیث از سه سطح تفسیر برخوردار است: ظاهر روایی، باطن فلسفی و لطیفه عرفانی که با مضامین عمیق فلسفی، عرفانی و تفسیری است. وی در این اثر با نگاهی صدرایی-اشراقی به تفسیر روایات اهل بیت می‌پردازد. روضاتی (۱۴۰۰: ۵۷) درباره این اثر می‌نویسد:

کتاب الأربعین یکی از آثار محوری قاضی سعید است که در نسخه‌های معتبر قم، اصفهان و مشهد موجود است و در تمامی آن‌ها به نام سعید بن محمد مفید القمی تصریح شده است. این اثر از نظر تأکید بر اصول حکمت متعالیه و نگرش تأویلی به احادیث، شاهکار تفکر تلفیقی در دوره صفویه محسوب می‌شود. ایشان همچنین با بررسی نسخه موجود در کتابخانه ملی، آن را دارای تملک‌نامه و ارجاع مستقیم به استادان قاضی سعید می‌داند و محتوا را از نظر موضوعی، ادامه مستقیم شرح توحید معرفی می‌کند.

۳. مجموعه رسائل الأربعینات (۱۱ رساله)

از نسخه‌های شاخص این کتاب نسخه کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ۶۵۴) که تاریخ این نسخه ۱۱۰۰ ق و ثبت وقف‌نامه توسط فرزند قاضی سعید در آن دیده می‌شود. این نسخه به‌طور کامل و دست‌نویس در دسترس است و از ویژگی‌های آن می‌توان به ذکر

۳. تأویل عرفانی متون حدیثی و قرآنی، شاخص‌ترین وجه آثار قطعی قاضی سعید است. او با تکیه بر شهود و کشف درونی، کوشیده است به لایه‌های باطنی مفاهیم دینی دست یابد، همان روشی که در آثار تفسیری ملاصدرا نیز به چشم می‌خورد و این تأثیرپذیری را عیان می‌سازد.
۴. تفکیک آثار قطعی، کلید حل تعارضات موجود در تحلیل آراء قمری است؛ چراکه بسیاری از آثار منسوب، متضمن گرایش‌هایی به فلسفه مشاء یا کلام شیعی سنتی‌اند که با مشرب عرفانی-اشراقی و همچنین صدرایی قاضی سعید ناسازگار است.

جدول تفکیک آثار قطعی و منتسب به قاضی سعید قمری

نتیجه انتساب	استناد نسخه‌شناسی	ویژگی‌های محتوایی	نام اثر
✓ قطعی	نسخه خطی مؤرخ (کتابخانه مرعشی، شماره ۱۳۳۴، برگ ۵۶) با اجازه‌نامه شاگرد (قمری ۱۳۷۸: ۴۵؛ جعفری ۱۴۰۰: ۱۰۱)	توحید افعالی خاص، علم حضوری، وحدت صفات و ذات، نثر فنی عرفانی (روضاتی ۱۳۹۵: ۵۶؛ آشتیانی ۱۳۸۲: ۱۱۲)	شرح توحید صدوق
✓ قطعی	نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۴۵۶۷، تصریح نام مؤلف (جعفری ۱۴۰۰: ۱۰۱؛ قمری ۱۳۸۲: ۱۱۲)	تحلیل عرفانی-فلسفی چهل حدیث، وحدت وجود، علم حضوری (یثربی ۱۳۹۰: ۶۰؛ روضاتی ۱۳۹۵: ۳۴)	کتاب الأربعین فی شرح أحادیث المشکله
✓ قطعی	پنج نسخه خطی در کتابخانه ملی (شماره‌های ۱۲۳-۱۲۷) با نسبت مستقیم (روضاتی ۱۳۹۵: ۵۶؛ قمری ۱۳۸۵: ۷۸)	شهود، مراتب وجود، نور و ظلمت، تبیین عرفانی معاد (یثربی ۱۳۹۰: ۶۰؛ آشتیانی ۱۳۸۲: ۱۱۵)	رسائل اربعینیات (۱۱ رساله)
✗ منتسب به محمد سعید حکیم	تنها در فهرست کتابخانه مجلس با شماره ۸۹ بدون سند (روضاتی ۱۳۹۵: ۳۴)	گرایش مشائی، نثر عقل‌گرایانه، بدون تأویل عرفانی (آشتیانی ۱۳۸۲: ۱۱۲؛ یثربی ۱۳۹۰: ۷۵)	شرح الأربعین (دیگر)
✗ منتسب	ذکر شده در کشف الظنون بدون شناسه نسخه (جعفری ۱۴۰۰: ۱۲۰)	تحلیل فلسفه ارسطویی، عقل‌گرایی محض، بدون شهود (یثربی ۱۳۹۰: ۷۵)	حاشیه بر اثولوجیا
✗ منتسب	نسخه کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۵۶۷) با نام محمد بن زکریا (روضاتی ۱۳۹۵: ۷۰)	مباحث صناعات خمس، زبان علمی تجربی (جعفری ۱۴۰۰: ۱۲۰)	اسرار الصنایع
✗ منتسب	بدون نام مؤلف در نسخه کتابخانه ملک (ش ۳۴۵) (آشتیانی ۱۳۸۲: ۱۱۵)	مضامین اخلاقی عامه، نثر ساده (روضاتی ۱۳۹۵: ۷۰)	کلید بهشت
✗ منتسب	نسخه خطی کتابخانه ملی (ش ۲۳۴) بدون امضا (یثربی ۱۳۹۰: ۸۵)	غزلیات اخلاقی بدون مضامین فلسفی (آشتیانی ۱۳۸۲: ۱۱۵)	دیوان اشعار
✗ منتسب	ذکر در فهرست منتخب الدین بدون نسخه (جعفری ۱۴۰۰: ۱۲۰)	تأکید بر منطق مشائی، ناسازگار با عرفان (یثربی ۱۳۹۰: ۸۵)	حاشیه بر شرح اشارات

۵. تحلیل تعارضات فلسفی و کلامی قاضی سعید قمری
آثار قطعی قمری، سرشار از مباحث عمیق فلسفی و عرفانی است که در تلاش برای ایجاد همگرایی میان مفاهیم عقلانی، عرفانی و دینی تدوین شده‌اند. با این حال، در این آثار گاه تعارضاتی مشاهده می‌شود که می‌تواند ناشی از تأثیرات فکری متنوع، تحولات اندیشه‌ای در طول زندگی او یا شرایط اجتماعی و فکری دوران صفویه باشد. این تعارضات،

و جز به فیض پروردگار، بهره‌ای از وجود ندارد (قمی، ۱۳۹۰: ۵۸). به نظر می‌رسد که قاضی سعید تلاش کرده است تا میان دیدگاه عرفانی ملاصدرا و حساسیت‌های کلامی شیعه تعادل ایجاد کند.

۲.۵. تعارضاتی در حوزه معرفت‌شناسی

۱. علم حضوری در برابر علم حصولی: یکی از مباحث کلیدی در آثار قاضی سعید، بحث درباره علم و نحوه شناخت است. او در شرح حدیث عقل و جهل، به علم حضوری به عنوان روش اصلی شناخت اشاره کرده و می‌نویسد: معرفت ناب، تنها در پرتو حضور نفس با معلوم تحقق می‌یابد؛ نه از رهگذر صورت ذهنی (قمی، ۱۳۸۶: ۷۲). با این حال، در برخی دیگر از آثار مانند رساله‌العشق و العارف، علم حصولی نیز به عنوان یکی از مراتب قابل قبول شناخت مطرح می‌شود. او می‌نویسد: علم حصولی، اگرچه حجاب حقیقت است، اما می‌تواند نزدیکی برای رسیدن به علم حضوری شود (قمی، ۱۳۸۹: ۶۰).

۲. نقش عقل و وحی در معرفت: قاضی سعید تلاش می‌کند تا تعادلی میان عقل و وحی ایجاد کند. در رساله‌المعاد، او وحی را برتر از عقل می‌داند و می‌نویسد: عقل، چراغی است در دست انسان، اما نور وحی، خورشید روشنی‌بخش طریق حقیقت است (قمی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). از سوی دیگر، در رساله‌وصایای عرفانیه، وی به نقش فعال عقل در کنار وحی اشاره می‌کند و می‌نویسد: اگر وحی، منبع نهایی معرفت است، عقل نیز مفسر و مکاشف آن است؛ نه در تعارض، بلکه در تعامل (قمی، ۱۳۹۰: ۸۸). این دیدگاه دوگانه، نمایانگر تلاش او برای تبیین مکمل بودن عقل و وحی است.

۳.۵. تعارضاتی در حوزه الهیات تنزیهی

رابطه صفات و ذات الهی: یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در الهیات اسلامی، رابطه میان صفات و ذات الهی است. قمی در برخی از آثار خود، به عینیت صفات و ذات الهی تأکید دارد. او در شرح حدیث النورانیه می‌نویسد: صفات، تجلیات بی‌واسطه ذات‌اند؛ نه زائد بر آن و نه متغایر با آن (قمی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). با این حال، در آثار دیگر همچون رساله‌العقل و النفس، به تمایز مفهومی میان صفات و ذات اشاره می‌کند که این دیدگاه بیشتر با کلام امامیه هم‌سویی دارد. او می‌نویسد: در ساحت معنا، صفات با ذات یکی‌اند، اما عقل بشری ناگزیر است آن‌ها را تفکیک مفهومی کند تا بتواند به معرفتی نسبی نائل آید (قمی، ۱۳۹۱: ۵۵).

برخلاف تصور برخی از محققان، نشان‌دهنده ضعف در اندیشه قاضی سعید نیست، بلکه بازتاب تلاش او برای حل مسائل پیچیده فلسفی و کلامی زمانه است. این تحقیق به بررسی و تحلیل تعارضات موجود در آراء فلسفی قاضی سعید می‌پردازد و این تعارضات در حوزه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، (الهیات تنزیهی) و زبان‌شناختی، بررسی و تحلیل خواهد شد.

۱.۵. تعارضاتی در حوزه هستی‌شناسی

۱. اصالت وجود یا اصالت ماهیت: یکی از مباحث اساسی در فلسفه، بحث درباره اصالت وجود یا اصالت ماهیت است که در حکمت متعالیه، ملاصدرا به‌طور قاطع از اصالت وجود دفاع می‌کند و ماهیت را امری اعتباری می‌داند. قاضی سعید در برخی از آثار خود مثل شرح توحید صدوق، تمایلی به اصالت ماهیت نشان می‌دهد و می‌نویسد: ماهیت، نه صرفاً یک امر اعتباری، بلکه امری حقیقی است که در کنار وجود، نقش اساسی در تحقق اشیاء دارد (قمی، ۱۳۷۸: ۱۱۲). این دیدگاه در تضاد با دیدگاه ملاصدرا است که وجود را جوهر اصلی همه چیز می‌داند. با این حال، در رسائل دیگر، مانند اربعینیات، او به‌طور ضمنی به اصول اصالت وجود نزدیک می‌شود و می‌گوید: وجود، حقیقتی است که بر تمامی مراتب هستی سیطره دارد و همه چیز از آن نشأت می‌گیرد (همان، ۱۳۷۸: ۴۵).

این تناقض ظاهری می‌تواند ناشی از دو عامل باشد:
الف. تلاش قاضی سعید برای آشتی دادن میان دیدگاه‌های مشائی و صدرایی.

ب. تأثیر شرایط زمانی و مخاطبان مختلف بر نحوه بیان دیدگاه‌های او.

۱. مسأله وحدت وجود: یکی از موضوعات مهم در حکمت متعالیه، دیدگاه وحدت وجود است که توسط ملاصدرا تبیین شده است. قمی در برخی از آثار خود به این دیدگاه نزدیک می‌شود و در شرح توحید‌الصدوق، وحدت وجود را به عنوان «حقیقتی که در مراتب مختلف جلوه می‌کند» معرفی می‌کند (قمی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). اما در برخی دیگر از آثار، او به جای پذیرش کامل وحدت وجود، به تفاوت‌های میان ذات الهی و مظاهر آن اشاره می‌کند. این اندیشه بیشتر به کلام شیعی و فلسفه مشائی نزدیک است. برای نمونه، در رساله‌ای با عنوان توحیده و إبطال‌الوجود، تصریح می‌کند که «شبهه قائلان به وحدت وجود، ناشی از خلط مرتبه ذات با مظاهر آن است» (هندی، ۱۳۹۹: ۱). همچنین در بخشی از رسائل اربعینیات نیز تأکید دارد که کل هستی ممکن‌الوجود و مخلوق است

۴.۵. تعارضات ظاهری و واقعی در آثار قاضی سعید قمی

یکی از مسائل مهم در تحلیل آثار قمی، تفکیک میان تعارضات واقعی و تعارضات ظاهری در آراء و مبانی اوست. در مواردی، آثار مختلف وی بیانگر تفاوت یا حتی تعارض در مبانی فلسفی، معرفت‌شناختی یا الهیاتی‌اند. اما با دقت در ساختار معرفتی آثار و سیر تطور فکری او، می‌توان بسیاری از این موارد را تعارض ظاهری دانست که ناشی از تفاوت زمینه، مخاطب، یا زاویه دید در نگارش هر اثر است. برای مثال، در بحث علم حضوری و حصولی، اگرچه در برخی مواضع تنها علم حضوری معتبر شمرده شده است. مثلاً در الأربعین فی شرح أحادیث المشکله، (قمی، ۱۳۸۲: ۹۰)، در دیگر آثار همچون رسائل اربعینیات، علم حصولی نیز به‌عنوان مقدمه‌ای بر علم شهودی تلقی می‌شود (قمی، ۱۳۹۰: ۷۸).

این تفاوت را نمی‌توان تعارض واقعی به‌شمار آورد، بلکه باید آن را نشانه توسعه و تبیین تدریجی یک منظومه معرفتی دانست. همچنین در مسأله وحدت وجود، برخی تحلیل‌گران مانند علامه سیدعبدالله حسینی روضاتی معتقدند که بخشی از آراء متفاوت در این زمینه، ناشی از انتساب ناصحیح آثار به قاضی سعید است. ایشان با استناد به شواهد تاریخی و سبک‌شناسی متون، برخی از رسائل دارای گرایشات مشائی و کلامی را به شخص دیگری به نام میرزا محمدسعید حکیم نسبت می‌دهد (روضاتی، ۱۳۷۹: ۸۵). بنابراین، بسیاری از تعارضات در نگاه اول واقعی می‌نمایند، اما با دقت در نسبت‌سنجی آثار، می‌توان آن‌ها را از سنخ تعارض ظاهری ارزیابی کرد.

۵.۵. تلاش برای حل تعارضات

رویکرد میان‌رشته‌ای قمی که در مرز میان فلسفه، عرفان قرار دارد، تلاش کرده از تعارضات موجود میان این حوزه‌های فکری عبور کند. او در این راستا با شجاعت به بررسی تعارضات موجود در آراء خود پرداخته و به‌دنبال راه‌حلی برای همگرایی این آراء بوده است. این تلاش‌ها نشان‌دهنده نگاه باز و وسیع او به موضوعات فلسفی و عرفانی است که در آثار قطعی او مشهود است.

نتیجه‌گیری‌های وی در هریک از زمینه‌های فلسفی، کلامی و عرفانی، همواره به سمت ایجاد همگرایی و تعامل میان عقل، وحی و شهود پیش می‌رود. این تلاش‌ها در حل تعارضات موجود میان مکاتب مختلف فکری و دینی او بسیار مؤثر بوده و باعث شده که آثار وی همچنان در محافل علمی و دینی مورد توجه قرار گیرد؛ همان روشی که وی به تاسی از ملاصدرا پیش گرفته بود.

۶.۵. تعارضات فکری در بستر تاریخی و تطور اندیشه

یکی از نکات شاخص در بررسی آثار و آراء قاضی سعید قمی، این است که تعارضات موجود در اندیشه او را نه به‌عنوان ضعف، بلکه به‌عنوان مسیر تکامل فکری او می‌توان تفسیر کرد. قاضی، مانند بسیاری از متفکران بزرگ فلسفه، در طول زندگی خود با چالش‌های فکری و تغییرات اندیشه‌ای مواجه بوده است. این تغییرات و تعارضات، نشان‌دهنده تلاش او برای پاسخ به مسائل پیچیده و بازتعریف مفاهیم فلسفی و کلامی در پرتو شرایط جدید زمانه است.

۱. علت تعارضات؛ تکامل فکری و مواجهه با مکاتب مختلف

قاضی سعید در دوره‌ای زیست که مکاتب مختلف فلسفی و کلامی، از جمله حکمت متعالیه، فلسفه مشائی و کلام شیعی، در حال تعامل و گاه تضاد با یکدیگر بودند. او نه‌تنها به آراء این مکاتب آگاه بود، بلکه تلاش می‌کرد تا میان آن‌ها ارتباط برقرار کرده و تعارضات موجود را با نوآوری خود حل کند. در مسأله وحدت وجود، از یک‌سو به دیدگاه ملاصدرا نزدیک می‌شود، اما در برخی آثار، به‌دلیل حساسیت‌های کلامی شیعی از پذیرش کامل این دیدگاه خودداری می‌کند. این نوع مواجهه نشان می‌دهد که وی به‌دنبال ایجاد توازنی میان فلسفه و کلام بوده است.

۲. تعارضات به‌عنوان ابزار خلاقیت فلسفی

اگرچه محور اصلی این پژوهش، اثبات تعارض میان آثار اصلی و آثار انتسابی قاضی سعید است، اما در تحلیل داخلی آثار اصلی وی نیز گاه تفاوت‌هایی در تفسیر مفاهیم مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها، برخلاف ظاهر، نه نشانه ضعف، بلکه بیانگر خلاقیت فلسفی و تلاش آگاهانه او برای ایجاد همگرایی میان مکاتب مختلف فکری است. وی به جای پذیرش مطلق یک مکتب خاص، کوشیده است دیدگاه‌های متنوع فلسفی، عرفانی و کلامی را با یکدیگر ترکیب کرده و به تفسیری جامع‌تر از مفاهیم دینی و فلسفی دست یابد. برای نمونه، در بحث معاد، او میان دیدگاه‌های مشائی و صدرایی پیوند برقرار می‌کند. این تلاش در کتاب الأربعین به وضوح قابل مشاهده است، جایی که معاد را به عنوان بازگشت کل وجود به حقیقت واحد تفسیر می‌کند (قمی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). این نوع نگاه، نشان‌دهنده نبوغ فلسفی او در بازخوانی آموزه‌های دینی با زبان فلسفی جدید است.

۳. تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی

یکی دیگر از عوامل ایجاد تعارض در آراء وی، شرایط اجتماعی و فرهنگی دوره صفوی است که علاوه بر تأثیرات فکری، از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز بر اندیشه‌های فلسفی و کلامی تأثیرگذار بود. در این دوره، کلام شیعی به‌عنوان ابزار تقویت مشروعیت سیاسی بود و این امر ممکن است باعث شده باشد که او در برخی از آثار، دیدگاهی نزدیک به کلام شیعی اتخاذ کند، درحالی‌که در آثار دیگر در حوزه‌های فلسفی و عرفانی، دیدگاه‌های آزادانه‌تر و نوآورانه‌تری ارائه دهد.

۷.۵. تحلیل تعارضات در بستر اندیشه تطبیقی

یکی از نقاط قوت اندیشه قاضی سعید، توانایی او در ورود به بحث‌های تطبیقی میان مکاتب مختلف فلسفی و کلامی است و در واقع، تعارضاتی که در آثار او دیده می‌شود، نه تنها ضعف محسوب نمی‌شوند، بلکه نشانه‌ای از تلاش او برای برقراری گفتگو میان دیدگاه‌های مختلف به شمار می‌رود. این بخش به تحلیل تعارضات فلسفی و کلامی او در بستر تطبیقی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این تعارضات به غنای فکری او افزوده است.

قمی در مواجهه با آموزه‌های فلسفی حکمت متعالیه، رویکردی مبتنی بر بازتفسیر و تلفیق اتخاذ کرده است؛ به‌گونه‌ای که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای فلسفی، اصول بنیادین کلام شیعی را نیز حفظ می‌کند. این راهبرد بازتفسیر، نه تنها نشان‌دهنده خلاقیت فلسفی اوست، بلکه بیانگر تلاش وی برای حل تعارضات میان عقل، وحی و شهود است. در حوزه توحید و صفات الهی، قاضی سعید دیدگاهی ارائه می‌دهد که بر اساس آن، صفات الهی از حیث وجودی عین ذات هستند، در حالی که از منظر مفهومی می‌توان آن‌ها را به‌مثابه تجلیات گوناگون ذات الهی درک کرد (قمی، ۱۳۷۸: ۱۱۰). این برداشت، ضمن پذیرش اصول حکمت متعالیه، پاسخگوی حساسیت‌های کلامی شیعی در تمایز مفهومی صفات و ذات نیز هست.

در زمینه معاد نیز، قاضی سعید با تأکید بر وحدت معاد جسمانی و روحانی، کوشیده است تا تفسیر جامعی از این مسأله ارائه دهد. او در کتاب الأربعین، معاد را بازگشت کل وجود به حقیقت واحد می‌داند (قمی، ۱۳۸۲: ۱۴۳)؛ تفسیری که ضمن همسویی با مبانی حکمت متعالیه، وفاداری به آموزه‌های کلامی درباره معاد جسمانی را نیز حفظ می‌کند. در مجموع، این تلاش برای تلفیق و بازتفسیر، بخشی

از برنامه فکری قمی در جهت حل تعارضات نظری و ارائه الگویی جامع‌تر از ارتباط میان فلسفه و کلام به‌شمار می‌آید.

۶. نتیجه‌گیری

قاضی سعید قمی را باید واپسین حلقه از زنجیره زرین فیلسوفان مکتب صدرایی اصفهان دانست که با بهره‌گیری از میراث حکمت متعالیه، توانست در عرصه‌های فلسفه، عرفان و تفسیر، نوآوری‌هایی بنیادین ارائه کند. پژوهش حاضر با رویکردی تلفیقی از تحلیل نسخه‌شناختی، سبک‌شناختی و مبنایی، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی بود که چگونه می‌توان با تکیه بر آثار اصیل قاضی سعید، تصویری منسجم، دقیق و تاریخی از اندیشه‌های وی ارائه داد. در پرتو این رویکرد و در پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی تحقیق، یافته‌های زیر حاصل شد:

۱. قمی متفکری منسجم با هویتی صدرایی-عرفانی است، نه شخصیتی متناقض.

الف: بسیاری از تعارضات منسوب به او، ناشی از خلط میان آثار اصیل با آثار غیرموثق است.

ب: با تفکیک این دو دسته، چهره‌ای روشن، دارای مشرب عرفانی نوری، رویکردی تأویلی و وفادار به مبانی حکمت متعالیه نمایان می‌شود.

۲. سه اثر را می‌توان با اطمینان قطعی به قاضی سعید نسبت داد:

شرح توحید صدوق (در سه جلد)، کتاب الأربعین فی شرح أحادیث المشکله و مجموعه رسائل اربعینیات (شامل یازده رساله) که این آثار با توجه به:

الف: شواهد نسخه‌شناسی، از جمله وجود اجازه‌ها، مهرها و یادداشت‌های مؤلف

ب: ویژگی‌های سبک‌شناختی؛ نثر فنی و فلسفی با رویکردی تأویلی-عرفانی.

ج: انسجام مبنایی؛ نظیر اصالت وجود، علم حضوری، وحدت شخصی وجود، تأویل نوری دارای وحدت در هویت مؤلف و گویای فلسفه‌ای منسجم‌اند.

۳. بررسی تطبیقی و دقیق آثار منسوب نشان می‌دهد این آثار متعلق به شخصیتی دیگر با هویتی متفاوت است و بر پایه قرائن تاریخی، سبکی و محتوایی، می‌توان این آثار را به میرزا محمدسعید حکیم، حکیم و شاعر دربار صفوی، منسوب دانست. وی در دهه‌های پایانی عمر خود در قم اقامت داشته و آثاری در حوزه حکمت مشاء،

بررسی آثار اختلافی چهره‌هایی چون ملاعبدالرزاق لاهیجی یا عبدالرزاق کاشانی نیز به کار برد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

۱. تدوین تصحیح انتقادی و مستند آثار اصیل قاضی سعید قمی، مبتنی بر نسخه‌های خطی دارای مهر، اجازه و یادداشت مؤلف.
 ۲. مقایسه تطبیقی تفاسیر عرفانی قمی با ملاصدرا و ملارجبعلی تبریزی، به‌ویژه در مباحث آیات توحید، خلقت و معاد.
 ۳. بررسی تطورات فکری قاضی سعید در بستر زمان با اتکای دقیق به تاریخ تألیف آثار و تحلیل یادداشت‌های شاگردان.
 ۴. ریدیه‌نویسی مستند بر انتسابات تاریخی نادرست، به‌ویژه در فهرست‌های کتابخانه‌ای و منابع متأخر که موجب خلط شده‌اند.
 ۵. کاربست آراء فلسفی و تفسیری قاضی سعید در مواجهه با چالش‌های فلسفه دین معاصر، از جمله نسبت عقل و وحی، تأویل و ایمان، و تفسیر نوری آیات وجودی.
- البته این تحقیق گام اولیه در تفکیک آثار قاضی سعید است که بررسی نسخه‌های خطی بیشتری مانند نسخه‌های استانبول و بریتانیا می‌تواند مفید باشد و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به تطبیق آرای او با ملاصدرا نیز بپردازند.

کلام سنتی، اخلاق و ادبیات پدید آورده است. این آثار مانند شرح دیگر بر الأربعین، حاشیه اثولوجیا، کلید بهشت، اسرار الصنایع و دیوان اشعار با غلبه بر عقل‌گرایی تحلیلی، ضعف در شهود عرفانی و بهره‌گیری از مفاهیمی ناهمساز با حکمت متعالیه، فاصله‌ای جدی با آثار اصیل قاضی سعید دارند. بدین ترتیب، انتساب این آثار به وی، افزون بر اینکه باعث سوءبرداشت از آراء شده، ارزیابی تاریخی و معرفتی میراث او را نیز مخدوش کرده است.

۴. تفکیک میان آثار اصیل و منسوب، پیش‌شرط تحلیل درست روش تفسیری و عرفانی قمی است. بدون این تفکیک، ارزیابی فلسفه تأویلی وی در تفسیر آیات و احادیث با خطای مبنایی همراه خواهد بود. برای نمونه، تفسیر حدیث عقل، آیه نور، یا مباحث معاد در آثار اصیل او، رویکردی نوری، وجودشناختی و مبتنی بر شهود دارد؛ درحالی‌که در آثار منسوب، این مباحث با رویکردی عقلانی-مثنائی یا حتی کلامی و محدود به سطح ظاهری فهم می‌شوند.
۵. پژوهش حاضر با ارائه مدلی سه‌گانه (نسخه‌شناختی-سبک‌شناختی-مبنایی)، چارچوبی نوین در تحلیل شخصیت‌های فلسفی-عرفانی با آثار مشابه انتسابی ارائه می‌دهد. اگرچه تلاش‌هایی پیش از این در تفکیک آثار قاضی سعید انجام شده، اما این مدل تحلیلی، جامعیت و انسجام بیشتری دارد و می‌تواند برای

منابع و مآخذ

- امین، سید حسن (۱۳۷۵). فلسفه و عرفان در دوره صفویه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۸). شرح حال و آراء فلسفی قاضی سعید قمی. انتشارات امیرکبیر.
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۲). تحقیق در آثار و افکار حکمای ایران. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جعفری، سیدجواد (۱۳۹۵). قاضی سعیدقمی و جایگاه او در حکمت اسلامی قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری، محمدحسین. (۱۴۰۰). نسخه‌شناسی آثار فلسفی قرن یازدهم. تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.
- حیدری، محمد (۱۳۸۸). آثار فلسفی و کلامی قاضی سعید قمی. تهران: انتشارات حکمت.
- روضانی، محمد (۱۳۹۵). مکتب فلسفی قم در عصر صفوی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- روضانی، محمدعلی (۱۴۰۰). دومین دو گفتار پیرامون احوال و آثار محمدسعید قاضی و محمدسعید حکیم و ملا محمدعلی تونی خراسانی قم: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- صفری فروشانی، علی (۱۳۹۵). جایگاه و اندیشه‌های فلسفی قاضی سعید قمی در حکمت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد (۱۳۹۰). مفاهیم فلسفی در آثار قاضی سعید قمی. تهران: انتشارات اسلامی.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۸۷). شرح حدیث النورانیة، به کوشش حسن محمدی. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۸۹). رساله العشق والعارف. به کوشش نجفقلی حبیبی. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۹۰). رسائل اربعینیات. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۹۰). وصایای عرفانیه. به کوشش حسن محمدی. قم: انتشارات بوستان اندیشه.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۹۱). رساله العقل و النفس. به کوشش علی موسوی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۷۸). شرح توحید صدوق. قم: انتشارات علامه طباطبایی.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۸۲). کتاب الأربعین فی شرح احادیث المشکله. تهران: انتشارات حکمت.
- مدرسی، سید جعفر (۱۳۸۶). نقش قم در پرورش حکمت متعالیه در عصر صفویه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). آشنایی با علوم اسلامی: فلسفه و عرفان. انتشارات صدرا.
- موسوی، علی (۱۴۰۰). آراء عرفانی قاضی سعید قمی در تفسیر قرآن. قم: انتشارات صدرا.

یثربی، غلامرضا (۱۳۸۲). شرح و نقد آراء قاضی سعید قمی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

یوسفی، محمدحسین (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل نسخ خطی فلسفی قرن یازدهم هجری؛ با تأکید بر آثار قاضی سعید قمی. قم: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

نصر، سید حسین (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه اسلامی. ترجمه حسین سیدی، انتشارات علمی و فرهنگی.

هندی، سید محسن (۱۳۹۹). بررسی تقریرهای مختلف وحدت وجود؛ به ضمیمه نسخه خطی ابطال وحدت وجود قاضی سعید قمی. تهران: انتشارات اعتقاد ما.

یثربی، سیدیحیی (۱۳۹۰). عرفان نظری در تفسیر قاضی سعید قمی. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

References

- Amin, Seyyed Hassan. (1996). *Philosophy and Mysticism in the Safavid Era*. Mashhad: Ferdowsi University Press. (In Persian)
- Ashtiani, Seyyed Jalal al-Din. (1989). *Biography and Philosophical Views of Qazi Sa'id Qomi*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Ashtiani, Seyyed Jalal al-Din. (2003). *Research on the Works and Thoughts of Iranian Philosophers*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Heidari, Mohammad. (2009). *Philosophical and Theological Works of Qazi Sa'id Qomi*. Tehran: Hekmat Publications. (In Persian)
- Hindi, Seyyed Mohsen. (2020). *A Study of Different Interpretations of the Unity of Existence; Including the Manuscript "Refutation of the Unity of Existence" by Qazi Sa'id Qomi*. Tehran: Eteghad-e Ma Publications. (In Persian)
- Ja'fari, Mohammad Hossein. (2021). *Manuscript Studies of 11th-Century Philosophical Works*. Tehran: Miras-e Maktoob Research Institute. (In Persian)
- Ja'fari, Seyyed Javad. (2016). *Qazi Sa'id Qomi and His Position in Islamic Philosophy*. Qom: Research Institute of Hawza and University. (In Persian)
- Modarresi, Seyyed Ja'far. (2007). *The Role of Qom in the Development of Transcendent Philosophy during the Safavid Era*. Tehran: Research Institute of Hawza and University. (In Persian)
- Motahhari, Morteza. (1989). *An Introduction to Islamic Sciences: Philosophy and Mysticism*. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Mousavi, Ali. (2021). *Mystical Views of Qazi Sa'id Qomi in Quranic Interpretation*. Qom: Sadra Publications. (In Persian)
- Nasr, Seyyed Hossein. (1999). *History of Islamic Philosophy*. Translated by Hossein Seyedi. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Qomi, Qazi Sa'id. (1999). *Sharh al-Tawhid al-Saduq*. Qom: Allameh Tabatabai Publications. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2003). *Al-Arba'in fi Sharh Ahadith al-Mushkila*. Tehran: Hekmat Publications. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2008). *Sharh Hadith al-Nuraniya*. Edited by Hassan Mohammadi. Qom: Bustan-e Ketab Publications. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2010). *Risalat al-'Ishq wa al-'Arif*. Edited by Najafqoli Habibi. Qom: Bustan-e Ketab Publications. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2011). *Al-Wasaaya al-Irfaniyya*. Edited by Hassan Mohammadi. Qom: Bustan-e Andishe Publications. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2011). *Rasa'il al-Arba'iniyat*. Qom: Bustan-e Ketab Institute. (In Arabic)
- Qomi, Qazi Sa'id. (2012). *Risalat al-'Aql wa al-Nafs*. Edited by Ali Mousavi. Qom: Mofid University Press. (In Arabic)
- Rawdati, Mohammad Ali. (2021). *Two Discourses on the Life and Works of Mohammad Sa'id Qazi and Mohammad Sa'id Hakim and Mulla Mohammad Ali Tuni Khorasani*. Qom: Library, Museum, and Document Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Rawdati, Mohammad. (2016). *The Philosophical School of Qom in the Safavid Era*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (In Persian)
- Safari Forushani, Ali. (2016). *The Position and Philosophical Thoughts of Qazi Sa'id Qomi in Islamic Philosophy*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (In Persian)
- Tabatabai, Seyyed Mohammad. (2011). *Philosophical Concepts in the Works of Qazi Sa'id Qomi*. Tehran: Islamic Publications. (In Persian)
- Yathrebi, Gholamreza. (2003). *Explanation and Critique of Qazi Sa'id Qomi's Views*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
- Yathrebi, Seyyed Yahya. (2011). *Theoretical Mysticism in the Interpretation of Qazi Sa'id Qomi*. 2nd ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Yousefi, Mohammad Hossein. (2018). *Study and Analysis of 11th-Century Philosophical Manuscripts with Emphasis on the Works of Qazi Sa'id Qomi*. Qom: Iranian Institute of Philosophy and Wisdom. (In Persian)